

## δ نگاهی به مراحل قیام جنبش باسماچیان مصطفی باباجانی

### مقدمه

جنبش باسماچیان عنوانی است که به قیام مسلمانان ترکستان بر ضد حکومت شوروی در میان سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۰ تعلق گرفته است. باسماچی در زبان روسی به معنای یاغی است و ریشه‌ی آن به واژه‌ی «باسماق» در زبان ترکی باز می‌گردد و به معنای هجوم آوردن و حمله کردن به کار گرفته می‌شود. «باسماچگی» در تاجیکی یا به عبارت دقیق‌تر از نظر مقامات دولتی تاجیکستان به معنای حرکت ضدانقلاب شورایی بود. در واقع باسماچی لقب اهانت آمیزی بود که روس‌ها به قیام کنندگان مسلمان می‌دادند، اما به مرور زمان استفاده از این واژه توسعه پیدا کرد و به بسیاری از انواع حرکت‌های مسلحانه‌ی سیاسی نیز اطلاق گردید. (۱) در این مقاله نگاهی به چگونگی شکل‌گیری جنبش باسماچیان، مراحل مختلف حیات و سرنوشت آن خواهیم داشت.

### شکل‌گیری باسماچیان

پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و سرنگونی حکومت مسلمانان خوقند به دست شوروی‌ها و بروز پیامدهای انقلاب نظیر مصادره‌های بی‌رویه‌ی اموال مردم و بی‌حرمتی‌های روس‌ها به سنن و آداب مردم مسلمان، قیام باسماچیان آغاز گردید. باسماچیان نخست از دره‌ی فرغانه در ترکستان که محصول پنبه آن نابود شده بود و از این رو انگیزه‌های شورش در آنجا قوت یافته بود، آغاز شد و سپس دامنه‌ی آن به سمرقند، بخارا، آمودریا (جیحون) و سیردریا (سیحون) نیز گسترش یافت. به طوری که آتش خشم باسماچیان در ۱۹۱۸ به نقاط بسیاری در آسیای مرکزی کشیده شد.

در واقع در ماوراءالنهر و ترکستان، قیام بر ضد حکومت تزاری همواره وجود داشت (۲) و از این رو برخی، قیام باسماچیان را ادامه‌ی همان شورش‌های پیشین می‌دانند. به هر روی قیام باسماچیان طی دوازده سال حیات خود، سه مرحله‌ی اصلی را از سر گذراند.

### مرحله نخست قیام؛ کسب اعتبار

مرحله‌ی نخست قیام از فوریه‌ی ۱۹۱۸ با سقوط حکومت مسلمان خوقند آغاز شد و تا سپتامبر ۱۹۲۰ که بخارا به تصرف ارتش شوروی درآمد، ادامه داشت. در این مرحله نابسامانی اقتصادی موجب شدت گرفتن اعمالی چون راهزنی، دزدی، آزار و قتل شده بود و دسته‌هایی به ربودن اموال و بستن راه‌ها دست می‌زدند. از این رو اعمال فوق نمی‌توانستند برای مردم عادی سرمشق اخلاقی باشند و نظر آنان را به سوی قیام جلب نمایند. در این اثنا اشتباهات حکومت شوروی و تندروی‌ها و تیرباران‌های بی‌حساب دهقانان به ظن هواداری از باسماچیان و تعدیات ارتش سرخ از حیثیت شوروی‌ها نزد مردم کاست و در عوض بر شهرت و اعتبار باسماچیان افزود. در این بین افرادی از باسماچیان به سبک عیاران عمل می‌کردند و نام و آوازه یافته بودند. این افراد که مسلمانان از تعرضشان مصون بودند، به روس‌ها حمله می‌کردند و اموالشان را به تاراج می‌بردند و غنایم را میان مردم تقسیم می‌کردند.

در این ایام باسماچیان در گروه‌های مختلف متشکل بودند و هر گروه به سرکرده‌ای نظامی (قورباشی) وابسته بود و مناسبات خانوادگی، قومی و قبیله‌ای در تشکیل این گروه‌ها و چگونگی رفتار رهبر با افراد گروه بسیار مهم بود. هنگام وقوع انقلاب ۱۹۱۷، محمدامین بیگ در فرغانه و ایرگش در خوقند از جمله سرکردگانی بودند که شهرت بسیار داشتند و از حکومت‌های ملی و محلی پشتیبانی می‌کردند. از دیگر رهبران باسماچیان در آن ایام می‌توان از جنیدخان، جانی بیگ، خال خواجه، مدامن بیگ و کور شیر محمد بیگ نام برد.

باسماچیان در نخستین اقدام علیه انقلاب به روستاهایی که مهاجران روسی در آنها سکونت و به کشاورزی اشتغال داشتند، حمله بردند. کشاورزان مهاجر روسی نیز در سایه‌ی اتحاد با بلشویک‌ها موفق به حفظ روستاهای خود در برابر حملات باسماچیان شدند. پس از درگیری‌های فوق باسماچیان از خواسته قشون مهاجر روس مبنی بر لغو انحصار دولتی و انحلال دادگاه‌های انقلاب جانبداری کردند و با نیروی ۷۰۰۰ نفری خود به ارتش دهقانان پیوستند و بدین ترتیب دولت موقت خود را در شهر اوش قرقیزستان به وجود آوردند. پس از ناکامی در تصرف شهر اندیجان، حکومت موقت فرغانه را تشکیل

دادند و سازمانی اداری و نظامی پدید آوردند. به مرور زمان حرکات فوق رنگ طغیان و شورش مردمی به خود گرفت و روس‌ها در ترکستان با وضعی سخت و ناگوار روبرو شدند. از این رو روس‌ها مبادرت به اعزام نیروهای بیشتری به منطقه نمودند و در سپتامبر ۱۹۱۸ چند شهر را از شورشیان پس گرفتند. در مارس ۱۹۱۹ کنگره‌ی هشتم حزب کمونیست شوروی، به اقدامات شدید نظامی دست یازید و با توأم کردن سیاست تهدید و تحبيب، میان صفوف متحد مردم و باسماچیان تفرقه انداخت و بدین ترتیب باسماچیان را منزوی و سرکوب کردند.

### مرحله دوم قیام؛ مقاومت‌ها و ناکامی‌ها

مرحله‌ی دوم قیام در پی اقدام‌های نظامی شوروی در جمهوری خلق خوارزم (خیوه) آغاز شد. جمهوری خلق خوارزم که در آوریل ۱۹۲۰ اعلام موجودیت کرده بود، با رفتار خشن سربازان روسی مأمور مصادره‌ی مواد غذایی و احضار ناگهانی مشمولان مسلمان خدمت سربازی در تابستان ۱۳۳۸ برای خدمت در ارتش سرخ مواجه شد. اقدامات فوق یک بار دیگر آتش شورش باسماچیان را بر افروخت و مسلمانان را به آنها پیوند داد. این در حالی بود که از یک سو بر عده‌ی نیروهای باسماچی افزوده می‌شد و از سوی دیگر واحدهای مسلمان ارتش سرخ روز به روز ناآرامتر می‌شدند.

تعداد نفرات باسماچیان در شرایطی به شش هزار نفر می‌رسید که هم منطقه را به خوبی می‌شناختند و هم دستگاه اطلاعاتی کارآمدی داشتند و در تعقیب و گریزها می‌توانستند در روستاها مخفی شوند. پیوستن یک تیپ سوار از ارتش سرخ به باسماچیان بر قدرت نظامی آنها افزود و این امر موجب دستیابی به سراسر دره‌ی فرغانه - به جز شهرهای اصلی و راه آهن - گردید.

در اوت و سپتامبر ۱۹۲۰، میان روس‌ها و باسماچیان مذاکراتی برای صلح انجام گرفت که به بدون نتیجه به پایان رسید. در نوامبر ۱۹۲۰ احمدزکی ولیدی طوغان، اولین رئیس جمهور منتخب مردم باشقیرستان خودمختار از دست روس‌ها گریخت و به خیوه پناه برد، اما در ۱۴ مارس ۱۹۲۱ حکومت جوان خیوه سقوط کرد. در پی این حوادث اعضای حکومت جوان خیوه به صحرا گریختند و به جنیدخان یکی از سرکردگان فعال باسماچی پیوستند.

بدین ترتیب روس‌ها در خیوه حکومتی طرفدار خود ایجاد کردند و نام جمهوری خلق خیوه را به جمهوری شوروی تغییر دادند. این اقدام گام بلندی در تکمیل الحاق صفحات ترکستان و تنگ‌تر کردن حلقه‌ی محاصره‌ی شورشیان بود. با این حال مقاومت نیروهای باسماچی که در دسامبر ۱۹۲۱ به ۲۰

هزار تن افزایش یافته بودند، در برابر روس‌ها ادامه داشت و دامنه‌ی آن به کوه‌های تاجیکستان و حتی سراسر ترکستان نیز کشیده شد. روس‌ها که خطر را جدی می‌دیدند، دست به اقدامات قاطع زدند و عملیات بر ضد باسماچیان را آغاز نمودند. در بهار ۱۹۲۲ قیام به اوج خود نزدیک می‌شد و وضع به زیان دولت شوروی رو به وخامت می‌رفت، چرا که افزایش قدرت باسماچیان، تمایلات ملی را در میان مسلمانان بیش از پیش برانگیخته بود. (۳)

با توجه به اوضاع و احوال فوق، در فوریه‌ی ۱۹۲۳ نیروی بزرگی از باسماچیان در نزدیکی بخارا دست به قیام زد و امنیت شهر را به مخاطره انداخت. در طرف مقابل، روس‌ها نیز دست به اقدامات جدی زدند و نیروهای نظامی خود را در برابر باسماچیان سازمان دادند. در این هنگام «اورجنیکیدزه» ی گرجی تبار که از رهبران برجسته‌ی حزب کمونیست بود، از مسکو وارد بخارا شد و حکومت دست‌نشانده‌ی بخارا را به تردید و تعلل محکوم نمود.

اواخر ۱۹۲۱ و اوایل ۱۹۲۲، اتحادیه‌ی جمعیت‌های انقلابی ملی و مردمی مسلمان آسیای مرکزی تشکیل شد و عده زیادی از اقوام مختلف مسلمان به آن پیوستند. در این اتحادیه برنامه‌های مشترکی نظیر استقلال ترکستان، برقراری حکومت جمهوری دموکراتیک، تشکیل ارتش ملی، استقلال اقتصادی، پیشرفت فرهنگ و معارف و آشنایی با تمدن اروپایی بدون وساطت فرهنگ روسی و آزادی کامل مذهبی تدوین شد. (۴)

اتحادیه‌ی جمعیت‌های انقلابی ملی و مردمی مسلمان آسیای مرکزی در برقراری پیوند، میان مردم و باسماچیان و جلب همفکری و همکاری عده‌ی نسبتاً زیادی از روشنفکران و جوانان ترقی‌خواه و ملی‌گرا نقش مؤثری ایفا کرد. جمعیت که در نظر داشت به جنبش‌های نامنظم و پراکنده‌ی باسماچیان نظم و استمرار بدهد، از میان اعضای خود عده‌ای را به عنوان مشاور و راهنما نزد باسماچیان گسیل داشت. پیوند باسماچیان و جمعیت سبب شد که سران باسماچی از طریق اعضای مطلع و ذی نفوذ جمعیت از همه‌ی اقدامات شوروی‌ها پیشاپیش باخبر شوند و اقدامات لازم را پیش‌بینی نمایند.

در آن هنگام قوای سازمان یافته‌ی باسماچی تحت فرماندهی ابراهیم بیگ و انورپاشا (داماد سلطان عثمانی، فرمانده قشون و وزیر جنگ سابق عثمانی و رهبر پان ترکیسم) قرار داشت. انورپاشا که رویای تجدید خلافت اسلامی را در سر می‌پروراند و خود را فرمانده کل قوای اسلام و داماد خلیفه‌ی پیامبر می‌خواند، موفق به جمع‌آوری دسته‌های پراکنده‌ی باسماچی در ارتشی ۱۶ هزار نفری شد. این ارتش که در بهار ۱۹۲۲ موفق به تصرف بخش وسیعی از بخارا شده بود، پس از بروز اختلاف میان فرماندهان باسماچی، شهر دوشنبه را به قوای روسی پس داد.

پس از آنکه انورپاشا در ۴ اوت ۱۹۲۲ در یک درگیری به قتل رسید، اختلاف داخلی میان واحدهای ازبک و قرقیز، زمینه‌های تضعیف باسماچیان را فراهم ساخت. شکست یکی از سران باسماچی از ارتش روس در ژوئیه ۱۹۲۲ موجب تسلیم باسماچیان قرقیزی و عقب نشینی باسماچیان ازبک گردید. بدین ترتیب عده‌ی باسماچیان به ۲ هزار تن کاهش یافت و پس از فرار برخی از سران باسماچی به افغانستان و ایران در اواخر ۱۹۲۲، نیروهای اصلی باسماچی در فرغانه و خوارزم نیز شکست خوردند.

در این ایام سران اتحاد جماهیر شوروی که نسبت به باسماچیان برتری یافته بودند، درصدد به‌کارگیری اقدامات نظامی به همراه اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی برآمدند. از این رو به موازات عملیات نظامی بر ضد باسماچیان، دولت شوروی اراضی موقوفه‌ی ضبط شده را مسترد و محاکم شرع را در دره‌ی فرغانه دایر کرد، مالیات‌ها را به نصف کاهش داد، آذوقه‌ی مردم را تأمین کرد و دست به اصلاحات ارضی و آبی زد. اقدامات فوق به همراه اعلام عفو عمومی، دهقانان خسته از ناآرامی‌ها را از باسماچیان دور کرد.

تحت چنین شرایطی یک بار دیگر ابراهیم بیگ خود را سرکرده‌ی باسماچیان تاجیکستان اعلام کرد، اما باسماچیان که تلفات سنگینی داده بودند، دیگر توانایی گردآوردن نیروی بزرگی را نداشتند. از این رو هنگامی که در ژانویه ۱۹۲۴، باسماچیان خوارزم به فرماندهی جنیدخان به خیوه حمله کردند، با شکست مواجه شدند، تا آخرین عملیات وسیع باسماچیان در ترکستان نتیجه‌ای در بر نداشته باشد.

بدین ترتیب در سال ۱۹۲۵، تاجیکستان که مرکز قیام‌های باسماچیان به شمار می‌آمد، متروک شده بود. در ازبکستان نیز چنین وضعیتی حاکم بود و یک چهارم زمین‌ها غیرقابل کشت شده بودند. دعوت ابراهیم بیگ برای شورش دیگر بی‌حاصل ماند و پس از آنکه باسماچیان به دسته‌های کوچک تقسیم شدند، بسیاری از آنان در جریان عفو عمومی خود را تسلیم کردند و رهبران‌شان به افغانستان گریختند.

### مرحله سوم قیام؛ سرنوشت شکست

مرحله‌ی سوم قیام باسماچیان پس از دو سال وقفه در هنگام اشتراکی کردن اجباری مزارع به دستور مقامات شوروی و ناخشنودی روستاییان آغاز شد. در این مرحله ابراهیم بیگ در ۱۹۳۱ به دست سربازان روس افتاد و بازمانده‌ی گروه‌های باسماچی که غالباً به دسته‌های راهزن تبدیل شده بودند، در ۱۹۳۳ از بین رفتند؛ تا بدین ترتیب صلح و آرامش مد نظر مقامات شوروی در ترکستان برقرار گردد.

بطور کلی مبارزه‌ی باسماچیان با سربازان روس را باید مبارزه‌ی مسلمانان با روس‌ها به حساب آورد. اگر چه قیام باسماچیان در وهله‌ی نخست با یاغی‌گری و راهزنی آغاز شد، با این حال نهضتی اسلامی بود که از پشتیبانی عموم مسلمانان منطقه نیز برخوردار بود.

به همین سبب دایره‌المعارف شوروی، هدف قیام باسماچیان را «تجزیه‌ی جمهوری آسیای مرکزی از روسیه‌ی شوروی» می‌داند. (۵) دایره‌ی المعارف تاجیکستان نیز قیام «باسماچگی» را حرکتی ضدانقلابی و ملی در آسیای میانه می‌داند که به پیکار زمینداران، بیگ‌ها، کولاک‌ها، ملاحای ارتجاعی و سرمایه‌داران ملی گرا بر ضد حاکمیت شوروی انجامیده بود. این دایره‌المعارف، اساس مرام باسماچیان را پان‌اسلامیسم، پان‌ترکیسم و سرمایه‌داری ملی نامیده و هدف اصلی آنان را جداکردن آسیای میانه از روسیه و برقرار کردن حاکمیت ملی عنوان کرده است. (۶)

### جمع‌بندی

اگر چه در اتحاد جماهیر شوروی، باسماچیان، ملیونی احساساتی و گمراه شناخته می‌شدند که به نظام قبیله‌ای وفادار و فاقد شعور طبقاتی بوده‌اند، اما در حقیقت قیام باسماچیان را باید قیامی عمیق و گسترده در سرزمین‌های تصرف شده اسلامی به حساب آورد که پس از شکاف در صفوف رهبران و گردانندگان خود، خستگی دهقانان از جنگ و خونریزی و تدابیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روس‌ها، از قوای ارتش سرخ شکست خورد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. صدرالدین عینی، یادداشت‌ها، تهیه و تدوین: سعیدی سیرجانی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۸۲۸
۲. از جمله این شورش‌ها می‌توان به قیام دوکچی ایشان ۱۸۹۸، قیام ۱۹۱۶ و شورش‌های اسحق بیگ و یعقوب بیگ اشاره نمود.

3. H. A. De Lageard, "The Revolt of The Basmachi According to Red Army Journals (1920-1922)", *Central Asian Survey*, VI, 3, 1987, pp. 1-35

۴. احمد زکی ولیدی طوغان، قیام باسماچیان، ترجمه: علی کاتبی، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۸۱-۳۸۲

5. Great Soviet Encyclopedia, New York, 1973-1983, p. 286

6. Ensiklopediya Sovetii Tadjik, I, Dushanbe 1978, p.492